

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی یزدی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال سیزدهم - جلسه ۳۴ - سه‌شنبه ۹۵/۹/۲۳

آنچه گفتیم وجه اول محقق نائینی رحمته الله علیه بود، هرچند این وجه در متن *اجود التقریرات* موجود نیست. عبارت *اجود التقریرات* چنین است:

«و من هنا يظهر أنه لا فرق في انقلاب النسبة في فرض اتصال المخصص بالعام بين ما إذا كان هناك عام آخر غير متصل به الخاصّ و بين عدمه ضرورة ان العام الآخر بعد وجود العام المخصص بالمتصل لا يكون حجة في غير ما يكون العام المتصل حجة فيه فلا محالة يكون الظهور فيه منقلبا قبل ملاحظة التعارض بينه و بين المخصص الآخر فلا بد من ملاحظة التعارض بينه بعد التخصيص بالمتصل و بين الخاصّ الآخر فتتقلب النسبة إلى العموم من وجه كما هو ظاهر»<sup>۱</sup>.

در این عبارت بدون ذکر هیچ استدلالی فقط به ضروری بودن این مطلب و تمسک به ظاهر اکتفا شده است. اما در *فوائد الاصول* عبارت به گونه‌ای دیگر است و به همان نحوی که توضیح داده شد، تعلیل شده است:

«... لا تفاق العامّ المخصص بالمتصل و الخاصّ الآخر على خروجه و عدم وجوب إكرامه، فلا يمكن أن يبقى عموم قوله: «أكرم العلماء» على حاله، بل لا بدّ من أن يكون المراد منه العالم الغير الكوفي من النحويين، فتكون النسبة بينه و بين قوله: «لا تكرم النحويين» العموم من وجه»<sup>۲</sup>.

بنابراین از دو تقریر کلمات محقق نائینی رحمته الله علیه بیش از بیانی که ذکر شد به دست نمی‌آید؛ یعنی چون هر دو مخصص، اتفاق دارند بر اینکه عالم مرتکب کبیره خارج از عام است، پس باید عام بعد از این تخصیص به

۱. *اجود التقریرات*، ج ۲، ص ۵۱۹.

۲. *فوائد الاصول*، ج ۴، ص ۷۴۴.

قدر متیقن، با خاص دیگر نسبت سنجی شود.

### نقد و بررسی وجه اول در کلمات محقق نائینی رحمته الله علیه

در فرض مذکور که دو مخصص وجود دارد، اگر بخواهید هر دو مخصص را با عرض عریضشان اعمال کنید، این خلاف فرض شماس است و بعداً می‌فرمایید که اعمال هر دو ممکن نیست؛ چون مخصص‌ها با همدیگر درگیر هستند. و اگر بخواهید یکی دون دیگری را مخصص قرار دهید ترجیح بلا مرجح است. و اما اینکه قدر متیقن در رابطه با هر دو مخصص داریم، اثبات نمی‌کند که عام فقط در این قدر متیقن حجت است. **توضیح آنکه:** ایشان می‌فرماید قدر متیقن آن است که «عالم عاصی مرتکب کبیره» خارج است. آری، ولی این اثبات نمی‌کند که عام در این مقدار حجت است و بیشتر از قدر متیقن، خارج نیست. اگر در جایی اثبات بشود که این مقدار حجت است نه بیشتر، درست است، اما اینجا این مقدار را می‌دانیم از عام خارج است ولی چه بسا بیشتر از این نیز بتواند از عام خارج شود. به تعبیر دیگر در نسبت سنجی گرچه ملاک، مراد جدی است اما این در صورتی است که بفهمیم مراد جدی که حجت است این حد است، اما اگر مقدار خارج از مراد جدی، محصور در این قدر متیقن نبود و نتوانستیم بگوییم بیش از این، از عام خارج نمی‌شود، این را برای انقلاب نسبت ملاک قرار نمی‌دهیم.

قبلاً در کلمات شهید صدر رحمته الله علیه آمد که دانستن قدر متیقن از خارج، کافی در انقلاب نسبت نیست ولی آن قدر متیقنی که بدانیم بیش از آن نیست، منشأ انقلاب نسبت می‌شود. در ما نحن فیه می‌دانیم عالم عاصی مرتکب کبیره مراد از «اکرم العلماء» نیست، اما بیشترش هم خارج است یا نه، باید همچنان بررسی کنیم. پس دلیل اول محقق نائینی رحمته الله علیه که به تخصیص عام با قدر متیقن و محل اتفاق دو خاص تمسک کردند، کافی برای انقلاب نسبت نیست؛ زیرا مقدار خارج از حجیت عام را منحصر در این قدر متیقن نمی‌کند، بلکه قدر متیقن فقط می‌گوید این مقدار مراد نیست ولی اینکه یک مقدار دیگر هم تخصیص خورده باشد نفی نمی‌کند.

### وجه دوم در بیان محقق نائینی رحمته الله علیه

دلیل دوم محقق نائینی رحمته الله علیه در *اجود التقریرات* پررنگ‌تر است<sup>۱</sup>، البته در *فوائد الاصول* هم موجود است<sup>۱</sup>

---

۱. *اجود التقریرات*، ج ۲، ص ۵۱۹:

و إن شئت قلت ان نسبة المخصص الغير المتصل إلى العام الفوق و إن كان هو العموم و الخصوص المطلق إلا انه لا يصلح لكونه مخصصا له

و از این قرار است که:

گرچه نسبت بین خاص «لا تکرّم العالم العاصی» و عام غیر مذیل «اکرم العلماء» عموم و خصوص مطلق است، ولی نمی‌توانیم عام را به خاص تخصیص بزنیم؛ زیرا «لا تکرّم العالم العاصی» زمانی می‌تواند بمفهومه الوسیع مخصص عام باشد که خودش حجت باشد، در حالی که حجت نیست؛ زیرا فرض کردیم سه دلیل وجود دارد و خاص با دلیل اخص (اکرم العلماء غیر المرتکب للکبائر) در ماده‌ی اجتماع یعنی «عالم عاصی غیر مرتکب کبیره» درگیر است. وقتی که درگیر شد حجت نیست، پس چگونه می‌تواند مخصص «اکرم العلماء» باشد و بگوید «اکرم العلماء» شامل هیچ عاصی‌ای نمی‌شود؟! تخصیص عام متفرع بر این است که خاص در ماده‌ی اجتماع با دلیل دیگری درگیری نداشته باشد، در حالی که اینجا خاص در ماده‌ی اجتماع درگیری دارد، لهذا نمی‌تواند حتی نسبت به ماده‌ی اجتماع، مخصص «اکرم العلماء» باشد.

در حقیقت محقق نائینی رحمته الله می‌گویند معلوم نیست مراد از «اکرم العلماء» چیست؛ آیا علماء غیر مرتکب کبیره را شامل می‌شود یا مخصوص علماء عادل (غیر عاصی) است، در حقیقت عام از اطراف معارضه واقع می‌شود.

### نقد و بررسی وجه دوم محقق نائینی رحمته الله

واضح است که این دلیل نیز ناتمام است؛ زیرا گرچه «اکرم العالم العاصی غیر المرتکب للکبیره» و «لا تکرّم العالم العاصی» با هم درگیر می‌شوند، اما وقتی که درگیر شدند مبنای شما در باب تعارض هرچه باشد - چه ترجیح، چه تخییر و چه تساقط یا ... - درگیری سه ضلعی را درست نمی‌کند؛ زیرا:

اگر کسی مبنایش تساقط بود یا گفت این مرجحات مساوی هستند، وقتی «اکرم العالم العادل الا المرتکب للکبیره» با «لا تکرّم العالم العاصی» تساقط کرد، «اکرم العلماء» که عام فوق است با چیزی درگیر نمی‌شود و می‌تواند مرجع باشد. و اگر قائل به ترجیح شوید و بگویید مثلاً «لا تکرّم العالم العاصی» چون مرجوح است

---

فان المفروض معارضته بالعموم من وجه مع العموم المتصل به المخصص و الخاص المتبلى بالمعارض لا يصلح للتخصيص فيكون العام فوق من أطراف المعارضة أيضا.

۱. فوائد الاصول، ج ۴، ص ۷۴۴:

و توهم: أن قوله: «أكرم العلماء» كما يكون معنونا بغير الكوفي من النحويين كذلك يكون معنونا بغير النحوي مطلقا، فإن النسبة بينه وبين قوله: «لا تکرّم النحويين» العموم مطلقا، و إن كانت النسبة بين العام المتصل به الخاص و بين قوله: «لا تکرّم النحويين» العموم من وجه فاسد، فإنّ قوله: «لا تکرّم النحويين» لا يمكن أن يعنون قوله: «أكرم العلماء» و يخصّه بما عدا النحوي، لكونه معارضا بقوله: «أكرم العلماء غير الكوفيين من النحويين» و الدليل المتبلى بالمعارض لا يمكن أن يعنون العام و بصير مخصّصا له.

کنار می‌رود و «اکرم العلماء غیر المرتکب للکبیره» را اخذ می‌کنیم، معلوم است که مشکلی ندارد و آن خاص مرجوح نمی‌تواند منحصص عام فوق باشد. همچنین اگر بالعکس گفتیم «لا تکرّم العالم العاصی» رجحان دارد و «اکرم العلماء غیر المرتکب للکبیره» را کنار بگذاریم، یک خاص بی‌معارض خواهد بود و با عام فوق معارضه‌ی مستقره ندارد، بلکه همان نسبت عموم و خصوص مطلق باقی می‌ماند و اعمال می‌شود. اگر قائل به **تخیر** هم شوید همین مطلب است؛ زیرا یکی از طرفین را اخذ می‌کنید و دیگر درگیری نیست و باید تخصیص را به کار برد.

پس برخلاف سخن محقق نائینی رحمته اللّٰه که فرمودند این خاص چون با دیگری درگیر است، نمی‌تواند منحصص «اکرم العلماء» باشد و عام طرف معارضه می‌شود، می‌گوییم در هر حال عام نمی‌تواند طرف معارضه واقع شود؛ زیرا این درگیری یا منجر به تساقط آن خاص‌ها می‌شود که اصلاً عام درگیر تعارض نیست و «اکرم العلماء» کار خودش را می‌کند و مدعای ایشان درست نمی‌شود، یا اینکه جانب اخص را ترجیح می‌دهیم و خاص را کنار می‌گذاریم که در نتیجه «اکرم العلماء» فقط به اخص تخصیص می‌خورد، یا اینکه جانب خاص را ترجیح می‌دهیم و به عنوان عموم و خصوص مطلق اعمال می‌کنیم نه من وجه و لذا عام و خاص تعارض ندارند بلکه جمع عرفی دارد، قول به تخیر هم که معلوم است منجر به تخصیص می‌شود.

مقرر: سید حامد طاهری

ویرایش و استخراج منابع: محمد عبدالهی